

مطالعه جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران

مریم خانعلی زاده بناء^۱

محمدباقر تاج‌الدین^{۲*}

سعید معدنی^۳

تاریخ وصول: ۹۸/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۹

چکیده

امروزه حضور افراد و گروه‌های مختلف با اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت در کنار یکدیگر و داشتن یک زندگی مسالمت آمیز بدون خشونت به جهت تأثیر بر سلامت و امنیت روانی جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین مدارای اجتماعی و شاخص‌های آن به عنوان متغیرهای مستقل و بروز خشونت به عنوان متغیر وابسته می‌باشد. روش پژوهش حاضر پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه است. جامعه آماری شامل شهروندان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر تهران بوده که تعداد ۳۸۴ نفر از آن‌ها با استفاده از فورمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که بین مدارای اجتماعی و شاخص‌های آن (مدارای عمومی، مدارای قومی، مدارای دینی، مدارای ملیتی) با بروز خشونت ارتباط منفی و معکوس وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (AMOS) نیز نشان دادند که شاخص مدارای عمومی در بین شاخص‌های متغیر مستقل مدارای اجتماعی با ضریب (۰/۴۵) بیش‌ترین تأثیر را بر میزان خشونت داشته است. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که مدارای اجتماعی از جمله عوامل مؤثر بر خشونت در فضای عمومی بوده و می‌تواند موجب کاهش یا افزایش خشونت در فضای عمومی شود.

واژگان کلیدی: خشونت، مدارای اجتماعی، مدارای عمومی.

۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Mb_tajeddin@yahoo.com

۳- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در همه دوره‌های تاریخی انواع و اشکال خاصی از کجروی و ناهنجاری‌های اجتماعی در جوامع بروز و نمود یافته‌است. با تغییر ساختارها و مناسبات اجتماعی نه تنها اشکال جدیدی از ناهنجاری‌ها پدید آمده بلکه میزان رواج و نیز معنی و مفهوم آن نیز تغییر یافته‌است. خشونت از جمله این آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها است که در تمام دوران زندگی بشر از گذشته تا امروز وجود داشته تا جایی که انسان ذاتاً موجودی خشن تصور می‌شده است. با توسعه جامعه مدرن خصوصاً شهرها و تحولاتی که در سطح ساختار اجتماعی و مناسبات اجتماعی در دوران جدید به وجود آمد تمامی شئون و جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی متأثر شده و روابط انسان‌ها در معرض تغییر و تحول و پیچیده شدن دائم و مستمر قرارگرفت تا جایی که امروزه خشونت به عنوان رفتاری که با هدف آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند، دامنه‌ی آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده شده‌است. در واقع امروزه خشونت، به عنوان رفتاری که نتیجه وجود تعارض میان افراد جامعه با یکدیگر و یا فرد با جامعه است، در همه کشورها مشاهده می‌شود و بر قربانیان آن همه روزه افزوده و موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آن‌ها، به ویژه گروه‌های ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتری مانند زنان، کودکان، سالخورده‌گان و گروه‌های اقلیت که قربانیان ستم‌پذیرتر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی‌اند، می‌شود. اما گستردگی و فزاینده‌گی انواع خشونت در جامعه، علاوه بر قربانیان مستقیم آن، نزدیکان و دوستان قربانیان را نیز متأثر می‌کند و امنیت اجتماعی و سلامت روانی را به خطر می‌افکند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). لذا ضرورت دارد برای حل این تعارض‌ها اقدام شود که برای اداره تضادهای برخاسته از تفاوت‌های بین افراد و گروه‌ها راه‌های متفاوتی وجود دارد. مدارا یکی از این راه‌ها است چرا که مدارا توانایی پذیرش و کنار آمدن افراد و گروه‌هایی است که از نظر نظام ارزشی و عقیدتی با یکدیگر متفاوت هستند (Kobayashi, 2010: 321) و در صورت نبود مدارا جامعه با مشکلات اساسی روبه‌رو خواهد شد و افراد تنها راه مقابله با تفاوت‌ها را خشونت خواهند دانست (Witenberg, 2012: 68) اما با توجه به شواهد واضح است که این روش از نظر تاریخی مرسوم نبوده است. در واقع جوامع اغلب به تفاوت عقاید با تعصب اقتدارگرایانه^۱ پاسخ داده‌اند. ریلتون^۲ نیز به این امر توجه کرده و معتقد است که تمایل اختلاف نظرها در تمام زمینه‌ها به ایجاد تضاد اجتماعی است (گراهام، ۱۳۸۳: ۸۵).

درباره مفهوم مدارا^۳ چنانکه ذکر شد به‌طور کلی می‌توان گفت که مدارا عملی است که به مردم اجازه می‌دهد عقاید یا ویژگی‌ها دیگران را دوست نداشته باشند یا حتی از آن‌ها متنفر باشند اما بدون اقدام به جنگ

1- Authoritarian Dogmatism

2- Railton

3- Tolerance

آزاردهنده علیه آن‌ها. بدین معنی که مدارا را عمل آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگه‌داری عقاید و اعمالی که دیگران آن را به عنوان عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند توصیف می‌کنند (Dennis yeates, 2007: 3). یعنی عمل مدارا زمانی معنا دارد که امکان استفاده از زور و خشونت وجود داشته باشد یا به تفسیر نیچه مدارا از سر قدرت باشد بدین معنی که کسی فکر نکند که اعتقاد یا عمل معینی کاملاً اشتباه یا بد است و در عین حال توانایی محدود کردن یا منزوی ساختن آن عمل را نیز داشته باشد اما به آن اجازه ابراز وجود بدهد، به این دلیل که تعدادی خیر درونی در اجازه ابراز وجود دادن به آن وجود دارد (Dijker & Cooman, 2007: 404). بدین ترتیب مدارا به عنوان فضیلتی اجتماعی و قاعده‌ای سیاسی، امکان همزیستی صلح آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند (Galeotti, 2001: 276). و چنانکه «وگت»^۱ عنوان می‌کند: مدارا و درک آن سبب می‌شود تا تفاوت‌های میان افراد، ارزش‌ها و یا سبک زندگی منجر به تبعیض و خشونت در جامعه نشود زیرا مدارا اساساً شکلی از خودکنترلی و خودداری است. مدارا پرهیز از بدی است (Vogt, 2002: 65).

از آنجا که جامعه ما به لحاظ تاریخی دارای اقوام، فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون است و همین امر، جامعه ایران را به لحاظ شناسایی الگوها و عناصر فرهنگی پیچیده ساخته و دیگر اینکه متأثر از فرآیند نوسازی، پدیده‌هایی همچون مهاجرت و ظهور رسانه‌ها در ایران بیش‌تر شده‌اند که پراکندگی و گستردگی عقاید، رفتارها، آداب و رسوم و خلق و خوها را به همراه داشته، مدارای اجتماعی مرتبط‌ترین مفهوم در ارتباط با خشونت^۲ است چرا که عدم پذیرش و مدارا در مقابل عقاید و نگرش‌های سایر افراد جامعه می‌تواند سبب ایجاد تنش میان افراد شود و چنانچه بنا بر نظر هیرشی^۳ اگر پیوندهای اجتماعی نیز در این میان ضعیف باشد و فرد گرایش به رعایت قوانین و مقررات و حفظ پیوندهای خود با جامعه نداشته باشد در مقابل عقاید و نگرش‌های متفاوت واکنشی خصومت‌آمیز نشان می‌دهد و در واقع این کاهش علقه‌های اجتماعی سبب نوعی شکل‌گیری روابط مایی و آن‌هایی در جامعه می‌گردد و اگر چنین نگرشی با احساس تبعیض همراه باشد شبکه تعاملات و همبستگی و اعتماد فرد به سایرین کاهش می‌یابد و در نتیجه میزان مدارای فرد در مقابل تفاوت‌ها کاهش یافته و موجب می‌گردد که الزامی برای رعایت حقوق دیگرانی که با وی متفاوت هستند در خود احساس نکند و در نتیجه در مقابل هر تفاوت و تعارضی با عقاید و نگرش‌ها و خواسته‌های خود دست به اعمال خشونت‌آمیز علیه دیگران بزند. لذا باتوجه به اینکه از یک سو؛ عدم نهادینه شدن روحیه

1- Vogt

2- Violence

3- Hershi

مدارا در کنش‌گران، طیف گسترده‌ای از تعارضات را به وجود می‌آورد که از سطح برخوردهای محدود میان کنشگران فردی تا سرکوب و حذف عقاید در سطح ساختارهای وسیع‌تر مانند جوامع و دولت‌ها را در برمی‌گیرد (بیاتی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰). و از سوی دیگر ما روزانه شاهد بروز خشونت به اشکال مختلف به صورت لفظی، کلامی و جسمانی در اطراف خود هستیم لذا این پژوهش به بررسی تأثیر مدارای اجتماعی و شاخص‌های آن بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران می‌پردازد و به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که آیا در شهری مانند تهران که اکثر قومیت‌ها با مذاهب و سلاقی متفاوت حضور دارند مدارای اجتماعی با تأکید بر به رسمیت شناختن تفاوت‌های فردی به لحاظ اعتقادات و باورها می‌تواند بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر مؤثر باشد؟

خشونت را به عنوان پدیده‌ای که به نوعی نقض‌کننده هنجارهای مرسوم و مورد قبول در جامعه است می‌توان نوعی کجروی دانست و لذا در رویکرد جامعه‌شناختی، خشونت در غالب نظریات مرتبط با کجروی تبیین می‌شود که این نظریات را براساس عوامل مؤثر بر خشونت به عنوان نوعی کجروی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول نظریاتی هستند که ذیل مفهوم تأثیر احساس محرومیت اجتماعی^۱ بر کجروی قرار می‌گیرند، به این معنی که نقطه اشتراک این گروه از نظریات این است که محرومیت به عنوان فقدان نسبی پاداش‌های جامعه‌ای نظیر حیثیت، قدرت، منزلت اجتماعی و فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که تفاوت میان انتظارات ارزشی که عبارتند از منافع و شرایطی از زندگی که مردم خود را در به دست آوردن آن ذی‌حق می‌دانند و توانایی‌های ارزشی که عبارتند از ظرفی که بحث مردم را برای به دست آوردن یا حفظ ارزش‌ها معین می‌کنند، ایجاد شود (لهسای زاده، ۱۳۹۱: ۱۸). از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در این زمینه می‌توان به امیل دورکیم^۲، رابرت مرتون^۳، کوهن^۴ و کلوارد و اوهلین^۵ و دیدگاه تضاد اشاره کرد. نظریه‌های مرتبط با تأثیر میزان سرمایه اجتماعی^۶ بر کجروی دسته دیگری از نظریه‌های تبیین‌کننده کجروی هستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نظریه بی‌سازمانی اجتماعی اشاره کرد. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی که در پی مطالعات دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ مکتب شیکاگو در آمریکا تکوین یافته است با تأکید بر روی عوامل اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه ساختار و سازمان اجتماعی جامعه و با استفاده از دو مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و مشارکت شهروندان به تبیین کجروی می‌پردازد. فرض اصلی بی‌سازمانی اجتماعی بر

1- Social Exclusion

2- Durkheim

3- Merton

4- Cohen

5- Cloward & Ohlin

6- Social Capital

این است که عدم وابستگی به نهادها و سازمان‌های اجتماعی از قبیل خانواده و مدرسه موجب رفتار انحرافی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۷). به عبارت دیگر، این نظریه بر شرایط ساختاری و نوعی از سازمان اجتماعی تأکید می‌کند که نقطه مقابل اعتماد، مشارکت، همبستگی و پیوندهای اجتماعی است، شرایطی که در آن شبکه‌های اجتماعی ضعیف، مشارکت در جامعه کم و اعتماد نیز اندک است و این موضوع سبب می‌گردد تا افراد جامعه نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد شده و احساس همبستگی میان آن‌ها کاهش یابد. در نتیجه در محیطی عاری از اعتماد که سطح مشارکت و شبکه‌های روابط اجتماعی نیز در آن کاهش یافته‌اند انومی اجتماعی می‌تواند باعث کاهش سرمایه اجتماعی و در نتیجه افزایش خشونت از طریق تضعیف هنجارهای مسلط بر رفتارها شود. به عبارت دیگر در محیط‌های بی‌هنجار، اعتماد اجتماعی کاهش یافته و در همان زمان کجروی و خشونت افزایش خواهد یافت (لدرمن و دیگران، ۱۹۹۹؛ به نقل از چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۰).

در کنار دو عامل محرومیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، مدارای اجتماعی^۱ سومین عاملی است که می‌توان از آن برای تبیین خشونت استفاده کرد، زیرا زمانی که در اثر شرایط انومی احساس محرومیت در افراد ایجاد شده و به دنبال آن میزان اعتماد و همبستگی اجتماعی نیز کاهش می‌یابد، سطح تحمل و مدارای افراد جامعه در مقابل تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یکدیگر نیز کاهش می‌یابد و در واقع تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه سبب می‌گردد پیوندهای اجتماعی نیز کاهش یافته و افراد تحمل خود نسبت به پذیرش عقاید و نظرات مخالف خود را از دست داده و در نتیجه مدارای اجتماعی کاهش یافته و به دنبال آن خشونت و تضاد در جامعه افزایش یابد (Vollhardt & et, 2009: 141). نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرشی که گاه نیز با نام نظریه «پیوند» از آن یاد می‌شود و به تعبیر دیگر پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌داند، می‌تواند تبیین‌کننده تأثیر مدارای اجتماعی بر خشونت باشد. از نظر هیرشی، افراد از لحاظ درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به میزان پیوستگی افراد با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه‌ای وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوند، از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. اعتقاد فرد با پیوند فرد به والدین آغاز می‌شود و از طریق پیوند با مدرسه و جامعه افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بین میزان پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت قوانین جامعه رابطه‌ای وجود دارد و این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.

در واقع می‌توان گفت براساس نظر وی با کاهش یافتن پیوندهای اجتماعی در سطح جامعه و در نتیجه کاهش یافتن مدارای اجتماعی، امکان ارتکاب خشونت به عنوان یک رفتار ضد اجتماعی افزایش می‌یابد، چرا که خشونت وارد ساختن آسیب‌های عمدی فیزیکی یا روانی از سوی یک فرد یا گروه نسبت به فرد یا گروه دیگر تعریف می‌شود و بر همین اساس چنانچه میزان تعهد، وابستگی و تعلق فرد به ارزش‌های اجتماعی و نیز سایر افراد جامعه کاهش یابد امکان بروز رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی وی افزایش می‌یابد زیرا فرد خود را ملزم به رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نمی‌داند.

نظریه‌پردازان مدارا از دیدگاه‌های مختلفی ضرورت مدارا را به اثبات رسانده‌اند، برخی از آن‌ها دیدگاه فلسفی داشته‌اند، گروهی رویکرد مذهبی را اتخاذ کرده‌اند و عده‌ای دیگر با نگرشی سیاسی به این امر پرداخته‌اند و در این میان فقدان بررسی اهمیت مدارا از منظری اجتماعی آشکار است. لذا جهت تبیین مفهوم مدارا از نظریه‌پردازان با رویکرد سیاسی به مدارا استفاده می‌شود که به لحاظ فضای مفهومی به رویکرد اجتماعی نزدیک‌تر و بیش‌ترین سهم را در میان نظریات مرتبط دارا هستند. از جمله این نظریه‌پردازان می‌توان به «وگت»^۱، «چیکرینگ و ریسر»^۲، «گلد اشمیت»^۳، «اسکارمن»^۴، اشاره کرد.

وگت مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند که با یکدیگر همپوشانی دارند: مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی. منظور او از مدارای سیاسی، خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی دیگران است (Pheleps, 2004: 24). به عبارت دیگر مدارای سیاسی به خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی زندگی اشاره دارد که مورد علاقه و توافق نباشد. مدارای اخلاقی نیز حاکی از مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی است (همان). به عنوان مثال آیا اعمال افرادی که از نظر جنسی غیرهمنوا هستند باید توسط قانون محدود شود؟ مدارای اجتماعی نیز مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن است، چه ویژگی‌هایی که از هنگام تولد همراه افراد است مانند رنگ پوست و جنسیت و چه آن‌هایی که در طول زندگی از طریق فرآیند اجتماعی شدن کسب می‌شوند مانند زبان صحبت کردن. وگت اشاره می‌کند این ویژگی‌ها موضوع مدارا یا عدم مدارا نیستند بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد در ارتباط هستند ممکن است به وسیله تصورات قالبی مناسب یا نامناسب متصور شوند و در نتیجه مورد مدارا واقع شوند یا نشوند (همان).

1- Voget

2- Chickering & Reisser

3- Gold Schmidt

4- Scarman

چیکرینگ و ریسر روی آنچه وگت در قلمرو اجتماعی مدارا قرار می‌دهد تمرکز کرده‌اند و اگرچه آن‌ها اساساً روی مدارای اجتماعی تمرکز کرده‌اند اما مدارا نسبت به عقاید و اعمال دیگران هم در عرصه خصوصی و هم در عرصه عمومی را برشمرده‌اند که با مدارای سیاسی و اخلاقی در نظر وگت هم‌پوشانی دارد. آن‌ها به مدارا به عنوان حضور دو موقعیت توجه کرده‌اند: بین فرهنگی و بین فردی. به علاوه آنچه آن‌ها به عنوان مدارا در نظر می‌گیرند با سازه وگت متفاوت است. آن‌ها به جای اینکه روی رفتار تأکید کنند بیش‌تر روی «گرایش» متمرکز شده‌اند. طبق نظر چیکرینگ و ریسر کسانی که مدارا جو هستند نوعی توانایی کسب کرده‌اند که به آن‌ها اجازه می‌دهد علاوه بر پذیرش و احترام نسبت به تفاوت‌ها، به تحقیق بیش‌تری درباره این تفاوت‌ها علاقه نشان دهند و نیز بپذیرند که این تفاوت‌ها وجود دارند و به نوعی حتی در جستجوی صمیمیت اجتماعی هستند. این موارد نوعی بخش سازنده گرایش و رفتاری را پیشنهاد می‌کند که در تقابل با سازه وگت از مدارا می‌باشد، به این معنی که از نظر چیکرینگ و ریسر، «افرادی که مدارا جو هستند تنها مشکلات و ناملایمات را تحمل نمی‌کنند، بلکه علاوه بر آن به افراد متفاوت از خودشان با آغوش باز خوش‌آمد می‌گویند و حتی صمیمیت اجتماعی با آن‌ها را جستجو می‌کنند» (Pheleps, 2004: 28).

گلد اشمیت مدارای اجتماعی را به لحاظ تحلیلی به دو دسته فعال و منفعل تقسیم کرده است؛ مدارای فعال نیز به نوبه خود به دو دسته انتزاعی و عینی تقسیم می‌شود. مدارای فعال انتزاعی بدین معنی است که فرد به لحاظ شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران متفاوت باشد و زمانی که فرد علاوه بر اینکه شفاهاً معتقد به مدارا نسبت به دیگران بود عملاً نیز مدارای خود را نشان داد، تبدیل به مدارای فعال عینی می‌شود. مدارای منفعل نیز حکایت از نوعی بی‌تفاوتی افراد نسبت به یکدیگر دارد مانند شهروندانی که در یک خیابان تردد می‌کنند بدون اینکه به یکدیگر توجه کنند. به اعتقاد گلد اشمیت، اگر توسعه اجتماعی و توسعه در سایر عرصه‌ها با موفقیت صورت گرفته باشد مدارای منفعل باید به مدارای فعال تبدیل شود. هم‌چنین وی معتقد است ادامه روند توسعه اصول جامعه‌پذیری مجدد به عنوان تشخیص ضوابط جنایی، بدون در نظر گرفتن پیشینه این نوع مدارا خطرناک است؛ مدارای منفعل، ناکامی و بی‌علاقگی همگی حاکی از این است که واکنش‌های خشونت‌آمیز دوباره گسترش خواهند یافت (شارع‌پور و عسگری، ۱۳۸۸: ۱۰).

اسکارمن نیز به نوبه خود مدارا را به دو دسته مدارای مثبت و مدارای منفی تقسیم کرده است. مدارای منفی به معنای عدم مداخله در امور مردم و رها کردن مردم به حال خودشان معرفی شده است. بر پایه این نظر هر فرد در ارتباط با مسائل مختلف زندگی، گزینش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دارای آزادی کامل است و افراد حق دخالت در شیوه زندگی دیگران را ندارند جز در مواردی که قانون محدودیت‌هایی را تحمیل کرده باشد. از سوی دیگر مدارای مثبت به معنی پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخوردار شدن آن‌ها به ویژه اقلیت‌ها از فرصت‌های برابر در جامعه است. در سایه به‌کارگیری مدارای مثبت

مردم قادر خواهند بود به مدد خدمات اجتماعی و اقتصادی که از سوی دولت ارائه می‌شود از امکانات موجود در جامعه بهره‌مند شوند. به عقیده اسکارمن برپایه نظریه مدارای مثبت تحمل افکار و عقاید، شیوه زندگی و علایق فرهنگی و دینی مردم امری ضروری است ولی کافی نیست. همگام با طرح مدارای منفی باید به حمایت قانونی از حقوق مردم به ویژه اقلیت‌ها پرداخت و به آنان در جهت برخورداری از فرصت‌های برابر در جامعه مدد رساند. به عبارت دیگر اگر قانون در فضای مثبت خود مداراجو باشد بایستی از منافع اقلیت‌ها در میان ما حمایت کند. وی معتقد است که عدم مداخله در امور مردم به مثابه جنبه منفی مدارا، تنها دارای ارزش قانونی بوده و کافی نیست که از سوی قانون به رسمیت شناخته شود و به اجرا در آید. به نظر اسکارمن در حالی که بسیاری از مردم توانایی دستیابی به امکانات و فرصت‌های موجود در جامعه را ندارند و نمی‌توانند از امتیازهای مادی و معنوی آن برخوردار شوند، طرح مفهوم «عدم مداخله» در طرح‌ها و سلیقه‌ها و گزینش‌های مردم با عنوان مدارا شعاری بیش نیست. تدوین و اعمال سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی همه جانبه مردم را قادر خواهد ساخت که از امکانات و ظرفیت‌های برابر و در دسترس همگان بهره‌مند شوند. در صورتی که جامعه می‌تواند از امنیت، نظم، ثبات و اقتدار بهره‌مند گردد که گذشته از مدارای منفی، مدارای مثبت نیز به‌طور فراگیر مطرح شود (شارع‌پور و عسگری، ۱۳۸۸: ۸).

باتوجه به مطالب ذکر شده و با در نظر داشتن این موضوع که در تعاریف متعددی که از مدارا وجود دارد و عموماً مدارا تحمل کردن دیگران، نگرش منصفانه در مورد افرادی که با ما متفاوت هستند، عدم سوءگیری و پیشداوری و پذیرش کامل و ارزش قائل شدن برای سایرین در حالی که کاملاً با ما متفاوت هستند (Williams, 2015: 2). در نظر گرفته می‌شود و باتوجه به شرایط جامعه ما که دارای تنوع قومی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نیز طبقاتی است مدارای اجتماعی مرتبط‌ترین مفهوم در ارتباط با خشونت است چرا که عدم پذیرش و مدارا در مقابل عقاید و نگرش‌های سایر افراد و نیز احساس سرخوردگی ناشی از تفاوت‌های طبقاتی که در سال‌های اخیر شکل فزاینده‌ای به خود گرفته می‌تواند سبب کاهش احساس علقه‌های اجتماعی می‌شود و چنان که هیرشی معتقد است اگر پیوندهای اجتماعی نیز در این میان ضعیف باشد و فرد گرایش به رعایت قوانین و مقررات و حفظ پیوندهای خود با جامعه نداشته باشد در مقابل عقاید و نگرش‌های متفاوت واکنشی خصومت‌آمیز نشان می‌دهد و لذا عدم توجه به مدارای اجتماعی می‌تواند سبب افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز در جامعه گردد.

از آنجایی که مطالعات انجام گرفته در خصوص خشونت عموماً یا در چند گروه اصلی خشونت در خانواده، خشونت علیه زنان و خشونت در میان نوجوانان و جوانان قرار می‌گیرند و یا به عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت پرداخته و ارتباط خشونت را با مفاهیمی از قبیل سرمایه اجتماعی، محرومیت نسبی و ... بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص مدارا نیز به بررسی رابطه مدارا با خشونت پرداخته‌اند. لذا

مطالعه جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و بروز خشونت در فضای عمومی ...

باتوجه به اینکه پژوهشی با موضوع پژوهش حاضر انجام نشده است؛ در ادامه به بررسی تحقیقات انجام شده که برخی متغیرهای آن‌ها با موضوع پژوهش در ارتباط بوده‌اند پرداخته خواهد شد.

از میان پژوهش‌های انجام‌گرفته در خصوص خشونت در خانواده می‌توان به محمدی، میرزایی (۱۳۹۱)، رئیسی، حسین‌چاری (۱۳۹۱)، ملکی، نژاد سبزی (۱۳۸۹)، توسلی، منیری‌فرد (۱۳۸۸)، همت‌زاده (۱۳۸۹)، یزدخواستی، شیرینی (۱۳۸۷) و اعزازی (۱۳۸۳) اشاره کرد. در این پژوهش‌ها عواملی از جمله کلیشه‌های جنسیتی، ساختار قدرت در خانواده، میزان دسترسی زنان به منابع ارزش‌مند، سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی به عنوان عوامل مؤثر در بروز خشونت در خانواده و به ویژه علیه زنان مورد آزمون قرار گرفته‌اند که براساس نتایج به دست آمده عوامل فوق‌الذکر در افزایش یا کاهش خشونت در خانواده و علیه زنان مؤثر هستند. در توضیح بیشتر تر باید گفت هر قدر دسترسی زنان به منابع ارزش‌مند بیشتر، میزان اعتقاد به کلیشه‌های جنسیتی کمتر و ساختار قدرت به سمت توازن و تعادل متمایل باشد و همچنین زنان از سرمایه اجتماعی بیشتر تر و رضایت از روابط زناشویی برخوردار بوده‌اند میزان خشونت کاهش یافته اما زمانی که زنان به عوامل فوق دسترسی نداشته و ساختار قدرت مردسالارانه و روابط زناشویی حالت مطلوبی نداشته میزان خشونت علیه زنان بیشتر شده است.

واعظ زاده و ایاسه (۱۳۹۵)، بابایی و دیگران (۱۳۹۲)، گلچین، حیدری (۱۳۹۱) و حسینی انجدانی (۱۳۸۷) نیز در پژوهش‌هایی به بررسی خشونت در میان نوجوانان و جوانان پرداخته و عواملی از قبیل خشونت والدین در خانواده، ساختار قدرت در خانواده، بازی‌های رایانه‌ای و مشاهده فیلم‌های خشونت‌آمیز را بررسی کرده و نتایج حاصل نشان دهنده تأثیر این عوامل بر افزایش میزان خشونت در میان نوجوانان بوده است.

گروهی دیگر از پژوهش‌ها نیز به نقش عوامل اجتماعی مانند: سرمایه اجتماعی، محرومیت نسبی و نقش محیط‌های بزهکارانه در بروز خشونت پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به: لهسایی‌زاده (۱۳۹۱)، کشکولی، صادقی (۱۳۹۱)، نایی و دیگران (۱۳۹۰)، وردنیا و همکاران (۱۳۹۰)، نجاتی، مستمع (۱۳۸۵) و مدیری (۱۳۸۵) اشاره کرد که این دسته از پژوهش‌ها به بررسی عواملی از قبیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت، نقش محرومیت نسبی در بروز خشونت و همچنین تأثیر فضاهای شهری در ایجاد زمینه‌های شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز پرداخته‌اند که نتایج به دست آمده حاکی از نقش عوامل فوق‌الذکر در بروز و افزایش میزان خشونت بوده‌اند.

در خصوص مدارای اجتماعی پژوهش‌گرانی از جمله فرزام (۱۳۹۵)، گلابی و رضائی (۱۳۹۲) و مقتدایی (۱۳۸۹) به بررسی ارتباط عواملی از قبیل سرمایه فرهنگی، مشارکت اجتماعی، تعلقات قومی و جزم‌اندیشی با مدارای اجتماعی پرداخته‌اند که نتایج حاکی از آن بودند که این عوامل بر میزان مدارای اجتماعی مؤثر بوده‌اند. بهشتی و رستگار (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی به تبیین ابعاد مدارای اجتماعی در بین اقوام ایرانی پرداخته و بیاتی،

جهانبخش و بهیان (۱۳۹۷) نیز به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی پرداخته‌اند که براساس نتایج به‌دست آمده دینداری، اعتماد اجتماعی و احساس امنیت به عنوان فرصت و فردگرایی و جزم‌اندیشی به عنوان چالش‌های مرتبط با مدارای اجتماعی مطرح می‌شوند.

در این بخش نیز تحقیقات انجام‌گرفته مانند تحقیقات داخلی در دو بخش تحقیقات انجام‌گرفته در حوزه خشونت علیه زنان و خشونت در حوزه خانواده قابل بررسی هستند که تحقیقات در حوزه خشونت علیه زنان به شیوه کیفی و مصاحبه عمیق به بررسی تجربه قربانیان خشونت با در نظر گرفتن متغیرهایی از جمله سن، نژاد، وضعیت اقتصادی، مهاجر بودن و کنترل اجتماعی پرداخته‌اند که می‌توان به؛ گروسمن و لاندی^۱ (۲۰۰۷)، لیندهورت و گیل‌مور^۲ (۲۰۰۷) و ویجک و بروجین^۳ (۲۰۱۲) اشاره نمود.

در خصوص پژوهش‌های انجام‌گرفته با موضوع خشونت در خانواده و عوامل مؤثر بر آن نیز می‌توان به رایت^۴ (۲۰۰۱)، رایت و فیتزپاتریک^۵ (۲۰۰۶) و لانگ و فریز^۶ (۲۰۰۸) اشاره کرد که نتایج به دست آمده نشان نشان داده‌اند که پایگاه اقتصادی- اجتماعی زوجین، زندگی بدون یکی از والدین، داشتن والدینی با سطح تحصیلات پایین و ارتکاب جرم توسط والدین احتمال خشونت در خانواده و در بین نوجوانان و جوانان را افزایش می‌دهد.

در خصوص مدارا نیز اریکسون (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان ریشه‌های مدارا به این نتیجه رسید که افراد دارای تحصیلات بالا، شبکه اجتماعی وسیع، متنوع و فعال‌تر از مدارای بالاتری برخوردار هستند.

لذا با توجه به مطالبی که ذکر گردید، در این پژوهش فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار خواهند گرفت:

- ۱- مدارای اجتماعی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران تأثیرگذار است.
- ۲- مدارای عمومی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران تأثیرگذار است.
- ۳- مدارای قومی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران تأثیرگذار است.
- ۴- مدارای دینی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران تأثیرگذار است.
- ۵- مدارای ملیتی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران تأثیرگذار است.

1- Grossman & Lundy
2- Lindhorse & Gilmore
3- Wijk & Bruijn
4- Wright
5- Wright & Fitzpatrick
6- Lung & Ferris

روش

روش اجرای پژوهش حاضر پیمایش است. هم‌چنین این پژوهش از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه‌ی ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به‌دست‌آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد. با توجه به این که خشونت در فضای عمومی و در سطح شهر پدیده‌ای است که عموماً شهروندان یا شاهد آن هستند و یا خود مرتکب آن می‌شوند؛ جامعه آماری این مطالعه تمامی شهروندان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر تهران را در بر گرفت که تعداد آن‌ها در حدود ۸ میلیون نفر بود. از آنجا که به‌طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه‌ی «نمونه‌گیری» برای تبیین نظرات افراد مورد مطالعه در خصوص بروز خشونت استفاده شده است و بر اساس فرمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که برای اطمینان بیش‌تر از تکمیل پرسشنامه‌ها و با در نظر گرفتن برخی پرسشنامه‌های بدون پاسخ، پرسشنامه‌ها در بین ۴۰۰ نفر پخش شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی می‌باشد. بدین صورت که شهر تهران به خوشه‌های شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم‌بندی شد و سپس از خوشه شمال منطقه ۱، خوشه جنوب منطقه ۲۰، خوشه غرب منطقه ۵، خوشه شرق منطقه ۴، و خوشه مرکزی منطقه ۶ انتخاب شدند. در مرحله آخر از هر منطقه یک محله انتخاب و در هر محله نقاطی از فضای عمومی مانند مترو، مرکز خرید، پارک و خیابان، انتخاب و پرسشنامه به صورت تصادفی در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و AMOS انجام شد و در این رابطه برای آزمون فرضیه‌ها، تست‌های آماری متناسب به‌کارگرفته شد. در جهت اطمینان از اعتبار پرسشنامه به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و هم‌چنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ می‌باشد.

جدول (۱): پایایی متغیرهای مورد مطالعه

۰/۷۶۲	۱۰ گویه	خشونت فیزیکی
۰/۷۴۰	۱۰ گویه	خشونت روانی
۰/۷۷۳	۷ گویه	مدارای قومی
۰/۷۳۵	۷ گویه	مدارای دینی
۰/۸۲۳	۴ گویه	مدارای ملیتی
۰/۷۲۲	۷ گویه	مدارای عمومی

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها:

خشونت

تعریف نظری: در تعریف خشونت همواره طیف گسترده‌ای از شاخص‌های اخلاقی بر حسب فرهنگ و هنجارهای اجتماعی به کار گرفته می‌شود که این موضوع تعریف خشونت را دشوار می‌سازد زیرا خشونت در هر جامعه متأثر از فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی آن جامعه تعریف متفاوتی می‌یابد (Pagani, 2015: 13). بر همین اساس سازمان بهداشت جهانی (WHO) در تعریف خود از خشونت بیان می‌دارد: «خشونت استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، ارباب یا تهدید و برخورد با دیگری است که علیه یک گروه یا جامعه صورت گرفته و منجر به آسیب روانی، سوء رشد و تکامل یا محرومیت شود یا احتمال وقوع این نتایج متصور باشد» (WHO, 2002: 3) از نظر مفهومی واژه خشونت ناظر به نوعی شدت عمل در مقابل دیگران به مفهوم کلی اعم از فردی، جمعی، کلامی، رفتاری، ایجابی و سلبی است». (طاهری، ۱۳۸۱: ۱۲).

تعریف عملیاتی: براساس تعریف فوق که خشونت را در ابعاد فیزیکی و روانی تبیین می‌نماید و با توجه به اینکه افراد در سطح شهر یا شاهد خشونت هستند و یا ممکن است خود مرتکب خشونت چه به صورت فیزیکی و چه به صورت روانی شوند، برای سنجش مفهوم خشونت، گویه‌ها توسط محقق و بر مبنای شاخص‌های خشونت فیزیکی و خشونت روانی (هر کدام ۱۰ گویه) و در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تاحدی، مخالفم، کاملاً مخالفم) طراحی شده‌اند که پس از محاسبه هر کدام از انواع خشونت از مجموع این دو بعد متغیر تمایل به خشونت (روانی- فیزیکی) ساخته شده است.

مدارای اجتماعی

تعریف نظری: فرهنگ آکسفورد مدارا را اینگونه تعریف می‌کند: عمل یا تمرین تحمل و یا مقاومت در مقابل درد؛ ظرفیت یا قدرت تحمل درد (OED, online: 2015). «مدارا» عمل آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگه داری عقاید و اعمالی است که دیگران آن را به عنوان عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند» (Dennis yeates, 2007: 3). یعنی عمل مدارا زمانی معنا دارد که امکان استفاده از زور و خشونت وجود داشته باشد یا به تفسیر نیچه مدارا از سر قدرت باشد بدین معنی که کسی فکر نکند که اعتقاد یا عمل معینی کاملاً اشتباه یا بد است و در عین حال توانایی محدود کردن یا منزوی ساختن آن عمل را نیز داشته باشد اما به آن اجازه ابراز وجود بدهد و به این دلیل که تعدادی خیر درونی در اجازه ابراز وجود دادن به آن وجود دارد (Dijker & Cooman, 2007: 404). بدین ترتیب مدارا به عنوان فضیلتی اجتماعی و

قاعده‌ای سیاسی، امکان همزیستی صلح آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند (Galeotti, 2001: 202).

تعریف عملیاتی: مدارای اجتماعی در این تحقیق براساس تقسیم‌بندی سه‌گانه «وگت» از مدارا که شامل مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی و تعریف وی از مدارای اجتماعی که شامل: مدارای دینی، مدارای قومیتی، مدارای ملیتی، مدارای اجتماعی عمومی می‌باشد و نیز پژوهش انجام گرفته توسط عسگری و شارع (۱۳۸۸) که چهار مؤلفه:

۱- مدارای دینی: که ناظر به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های افرادی است که تابع دینی غیر از دین اکثریت جامعه هستند و یا جزء اقلیت‌های مذهبی می‌باشند.

۲- مدارای قومیتی: که این نوع از مدارا ناظر به احترام گذاشتن به هویت و عقاید اقلیت‌های قومی و هم‌چنین به رسمیت شناختن حقوق قومی آن‌ها در کشور می‌باشد.

۳- مدارای ملیتی: شامل پذیرش سایر ملیت‌ها به‌عنوان افرادی با حقوق و آزادی‌های برابر در کشور می‌باشد.

۴- مدارای اجتماعی عمومی: این نوع از مدارا ناظر به پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز میان انسان‌های متفاوت می‌باشد، انجام گرفته است. بنابراین منظور از مدارای اجتماعی، مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن است، چه ویژگی‌هایی که از هنگام تولد همراه افراد است مانند رنگ پوست و جنسیت، و چه آن‌هایی که در طول زندگی از طریق فرآیند اجتماعی شدن کسب می‌شوند مانند زبان صحبت کردن. بر همین اساس برای هر کدام از این مؤلفه‌ها، گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظم، مخالفم، کاملاً مخالفم) در نظر گرفته شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۷/۷۵ درصد افراد مورد مطالعه مرد و ۴۲/۲۵ درصد دیگر را زن تشکیل داده‌اند. نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۴۳/۲۵ درصد افراد مورد مطالعه مجرد، ۴۹ درصد متأهل، ۲/۵ درصد متارکه، ۴ درصد مطلقه و ۱/۲۵ درصد فوت همسر می‌باشند. براساس یافته‌ها ۲/۷۵ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی، ۷/۷۵ درصد پاسخگویان دارای سطح تحصیلات راهنمایی، ۲۵/۵ درصد دارای سطح تحصیلات دیپلم، ۵۱/۷۵ درصد دارای سطح تحصیلات کاردانی و کارشناسی، ۱۰/۷۵ درصد دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و ۱/۵ درصد دیگر دارای تحصیلات دکتری هستند.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و سوم، زمستان ۱۳۹۸

جدول (۲): آمار توصیفی متغیر خشونت

متغیر	شاخص های توصیفی		وضعیت مؤلفه				
	میانگین	انحراف معیار	خیلی پایین	پایین	متوسط	بالا	خیلی بالا
خشونت فیزیکی	۳/۱۰	۱/۱۰	۴۰	۱۲۰	۱۴۰	۶۰	۴۰
خشونت روانی	۲/۹۰	۱/۰۹	۱۰/۰۰	۳۰/۰۰	۳۵/۰۰	۱۵/۰۰	۱۰/۰۰
خشونت کلی	۳/۰۰	۰/۹۴	۱۰	۲۷/۵	۳۲/۵	۲۲/۵	۷/۵

بر اساس جدول شماره ۲ میزان خشونت فیزیکی (۳/۱۰) و خشونت روانی (۲/۹۰) کمی پایین تر از حد متوسط می باشد. بنابراین خشونت فیزیکی کمی بیش تر از خشونت روانی است؛ میانگین کلی خشونت حاکی از سطح متوسط خشونت (۳/۰۰) می باشد.

جدول (۳): آمار توصیفی متغیر خشونت

متغیر	شاخص های توصیفی		وضعیت مؤلفه				
	میانگین	انحراف معیار	خیلی پایین	پایین	متوسط	بالا	خیلی بالا
مدارای قومی	۳/۲۹	۱/۰۲	۴۰	۳۹	۱۱۴	۱۷۷	۳۰
مدارای عمومی	۲/۷۰	۱/۱۶	۸۰	۸۰	۱۵۰	۶۰	۳۰
مدارای ملیتی	۳/۰۰	۱/۴۸	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۸۰	۸۰
مدارای دینی	۳/۲۷	۱/۱۱	۶۰	۱۱۰	۳۰	۲۰	۲۰
مدارای اجتماعی	۳/۰۶	۰/۸۰	۱۵	۲/۵	۲۷/۵	۵۰	۵

بر اساس جدول شماره ۳ میزان دو شاخص مدارای اجتماعی یعنی مدارای قومی (۳/۲۹) و مدارای دینی (۳/۲۷) بالاتر از حد متوسط و میزان شاخص مدارای عمومی (۲/۷۰) کم تر از متوسط و میزان شاخص مدارای ملیتی (۳/۰) متوسط می باشد. میانگین کلی مدارای اجتماعی نشان می دهد پاسخگویان به میزان متوسطی (۳/۰۶) به مدارای اجتماعی گرایش دارند.

یافته های استنباطی

جدول (۴): همبستگی بین مدارای اجتماعی و شاخص های آن و بروز خشونت

نام متغیر	بروز خشونت	
	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شاخص ها		
مدارای قومی	-۰/۳۸	۰/۰۰۰
مدارای عمومی	-۰/۴۳	۰/۰۰۰
مدارای ملیتی	-۰/۳۰	۰/۰۰۰
مدارای دینی	-۰/۳۳	۰/۰۰۰
میزان کل مدارای اجتماعی	-۰/۳۸	۰/۰۰۰

مطالعه جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و بروز خشونت در فضای عمومی ...

یافته‌ها حاکی از آن است که بین ابعاد مختلف مدارای اجتماعی و هم‌چنین میزان کل آن با بروز خشونت رابطه منفی و معکوس و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین بعد مدارای عمومی و بروز خشونت ($P = -0/43$) دارای بیش‌ترین ضریب همبستگی و رابطه بین بعد مدارای قومی و بروز خشونت دارای کم‌ترین ضریب همبستگی ($P = -0/38$) می‌باشد. هم‌چنین رابطه بین مدارای دینی ($P = -0/33$) و مدارای ملیتی ($P = -0/30$) می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان مدارای اجتماعی ($P = -0/38$) و ابعاد آن بیش‌تر شود میزان بروز خشونت در بین شهروندان کم‌تر می‌شود؛ بنابراین فرضیه‌ی اصلی پژوهش مبنی بر رابطه مدارای اجتماعی و شاخص‌های آن بر بروز خشونت تأیید می‌گردد.

جدول (۵): وضعیت شاخص‌های همبستگی

ضریب همبستگی چندمتغیره	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف استاندارد تخمین	آماره دورین- واتسون
۰/۷۷۸	۰/۶۰۵	۰/۶۰۱	۰/۳۴۸۸۴	۱/۷۱۵

ضریب همبستگی به‌دست آمده برابر ۰/۷۷۸ می‌باشد که نشان دهنده همبستگی قوی متغیرهای پیش‌بین (مؤلفه‌های مدارای اجتماعی) و متغیر معیار (ایجاد خشونت) است. با توجه به نتایج به‌دست آمده، میزان ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل برابر ۰/۶۰۱ است و می‌توان گفت که ۶۰/۱ درصد از تغییرات متغیر معیار را می‌توان به‌وسیله رابطه خطی آن با متغیرهای پیش‌بین، تعیین نمود.

جدول (۶): وضعیت ضرایب تأثیر مؤلفه‌های وارد شده در مدل

متغیرها	ضرایب تأثیر		ضرایب تأثیر استاندارد		آزمون ضرایب		هم خطی
	ضرایب	انحراف استاندارد	ضرایب	ت	p- مقدار	تولرانس	
مقدار ثابت	۱/۴۵۸	۰/۱۲۶			۱۱/۵۵۰	۰/۰۰۱	عامل تورم واریانس (VIF)
مدارای قومی	۰/۲۹۸	۰/۰۳۰	۰/۳۶۵	۹/۹۰۷	۰/۰۰۱	۰/۷۳۴	۱/۳۶۱
مدارای دینی	۰/۲۸۱	۰/۰۳۱	۰/۳۵۹	۹/۰۵۲	۰/۰۰۱	۰/۶۳۶	۱/۵۷۲
مدارای ملیتی	۰/۱۵۲	۰/۰۲۶	۰/۲۶۰	۵/۹۳۴	۰/۰۰۱	۰/۵۲۱	۱/۹۱۹
مدارای عمومی	-۰/۲۰۲	۰/۰۲۹	-۰/۲۴۰	-۷/۰۴۴	۰/۰۰۱	۰/۸۶۲	۱/۱۶۰

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، باید گفت مؤلفه‌های مدارای اجتماعی تأثیر معنادار بر ایجاد خشونت دارد، معادله نیز رگرسیون به صورت رابطه زیر است:

$$Y = 1/458 + 0/298 X_1 + 0/281 X_2 + 0/152 X_3 - 0/202 X_4$$

که در این معادله که متغیرهای موجود در آن به شرح موارد زیر می‌باشد X^1 تا X^4 به ترتیب مدارای قومی، مدارای دینی، مدارای ملیتی و مدارای عمومی و Y نیز «ایجاد خشونت» می‌باشد.

با توجه به نتایج جداول ۵ و ۶ می‌توان به تفسیر یافته‌ها پرداخت:

- به نظر می‌رسد میزان مدارای قومی در ایجاد خشونت (فیزیکی - روانی) در فضای عمومی تأثیر دارد.

نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه بین مدارای قومی و ایجاد خشونت نشان می‌دهد که ضریب تأثیر $0/365$ و p - مقدار به دست آمده نیز برابر $0/001$ بوده که بسیار کوچک‌تر از $0/05$ بوده و معنادار بوده پس می‌توان گفت: متغیر پیش‌بین مدارای قومی می‌تواند متغیر ملاک ایجاد خشونت را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان $0/95$ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می‌گردد.

- به نظر می‌رسد میزان مدارای دینی در ایجاد خشونت (فیزیکی - روانی) در فضای عمومی تأثیر دارد.

نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه بین میزان مدارای دینی و ایجاد خشونت نشان می‌دهد که ضریب تأثیر $0/359$ و p - مقدار به دست آمده نیز برابر $0/001$ بوده که بسیار کوچک‌تر از $0/05$ بوده و معنادار بوده پس می‌توان گفت: متغیر پیش‌بین میزان مدارای دینی می‌تواند متغیر ملاک ایجاد خشونت را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان $0/95$ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می‌گردد.

- به نظر می‌رسد میزان مدارای ملیتی در ایجاد خشونت (فیزیکی - روانی) در فضای عمومی تأثیر دارد.

نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه بین میزان مدارای ملیتی و ایجاد خشونت نشان می‌دهد که ضریب تأثیر $0/260$ و p - مقدار به دست آمده نیز برابر $0/001$ بوده که بسیار کوچک‌تر از $0/05$ بوده و معنادار بوده پس می‌توان گفت: متغیر پیش‌بین میزان مدارای ملیتی می‌تواند متغیر ملاک ایجاد خشونت را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان $0/95$ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می‌گردد.

- به نظر می‌رسد میزان مدارای عمومی در ایجاد خشونت (فیزیکی - روانی) در فضای عمومی تأثیر دارد.

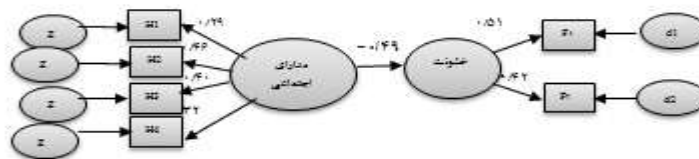
نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه بین میزان مدارای عمومی و ایجاد خشونت نشان می‌دهد که ضریب تأثیر $0/240$ و p - مقدار به دست آمده نیز برابر $0/001$ بوده که بسیار کوچک‌تر از $0/05$ بوده و معنادار بوده پس می‌توان گفت: متغیر پیش‌بین میزان مدارای عمومی می‌تواند متغیر ملاک ایجاد خشونت را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان $0/95$ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می‌گردد.

مدل معادله ساختاری

به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر شاخص‌های مدارای اجتماعی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران در وضعیت‌های مختلف از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. این مدل معادله ساختاری از دو نوع مدل و انواعی از متغیرها تشکیل شده است. دو نوع مدل تشکیل‌دهنده مدل معادله ساختاری عبارت‌اند از: ۱- مدل اندازه‌گیری ۲- مدل ساختاری. یک مدل اندازه‌گیری جزئی از مدل ساختاری است که نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیش‌تری متغیر مشاهده شده تعریف می‌کند. هم‌چنین می‌توان گفت در مدل اندازه‌گیری مشخص می‌شود که تعداد متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان مورد نظر و تا چه حد تحت تأثیر متغیر خطا هستند. در این مدل ۴ متغیر مشاهده شده وجود دارد که متغیرهای مشاهده شده H1, H2, H3, H4 معرف‌های متغیر پنهان مدارای اجتماعی و متغیرهای مشاهده شده F1, F2 معرف‌های متغیر پنهان خشونت می‌باشد. متغیرهای خطای Z و d نیز نماد خطای اندازه‌گیری ۴ متغیر مشاهده شده هستند.

جدول (۷): متغیرهای موجود در مدل

متغیر	شاخص‌ها	نمادهای ترسیمی در مدل
مدارای اجتماعی	مدارای قومی	H1
	مدارای عمومی	H2
	مدارای ملیتی	H3
	مدارای دینی	H4
خشونت	فیزیکی	F1
	روانی	F2



شکل (۱): مدل معادلات ساختاری تأثیر شاخص‌های مدارای اجتماعی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در میان ابعاد مختلف مدارای اجتماعی که بر بروز خشونت تأثیر می‌گذارند، مدارای عمومی که به معنی پذیرش هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان انسان‌های متفاوت و مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن است بیش‌ترین ضریب همبستگی و رابطه را با بروز خشونت را داشته است.

در توضیح این نتایج باید گفت اهمیت مدارای اجتماعی در ارتباط با بحث عدالت اجتماعی قرار دارد یعنی در جامعه‌ای که در آن عدالت اجتماعی برقرار نباشد و افراد احساس محرومیت و تبعیض داشته باشند، مدارا فاقد محتوایی غنی خواهد بود چرا که در چنین شرایطی افراد خود را با دیگرانی مقایسه می‌کنند که از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی در شرایط بهتری به سر می‌برند و در نتیجه این امر سبب شکل‌گیری روابط مایی و آن‌هایی شده و به نظر هیرشی در چنین شرایطی پیوند اجتماعی میان افراد جامعه که تعهد و همبستگی را به دنبال دارد کاهش یافته و سبب می‌گردد تا افراد تحمل سایر گروه‌های متفاوت به لحاظ دینی، قومی یا ملیتی را نداشته باشند.

چنانکه ذکر شد مدارای اجتماعی با مفاهیمی چون صبر، حلم و بردباری، آستانه تحمل قرین است و مفهوم مقابل آن عدم تحمل، ناشکیبایی و خشونت ورزی است. مدارا را می‌توان پذیرش و کنار آمدن با افراد و گروه‌هایی که از نظر نظام ارزشی و عقیدتی با ما متفاوت هستند، تعریف کرد. به بیانی ساده، مدارای اجتماعی به معنای به رسمیت شناختن حقوق افرادی است که مانند ما نیستند. مدارا آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی است که دیگران آن را عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند مدارا، پاسخی به تفاوت‌ها و تضادهاست و ظرفیتی است که افراد به میزان‌های متفاوت از آن برخوردارند. زمانی که از مدارا حرف می‌زنیم یعنی آنکه افراد با تمام تفاوت‌ها، عقاید، اعمال و ویژگی‌های شخصی به نوعی تعامل با دیگران می‌رسند. توصیه به مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز در شرایطی که بی‌عدالتی و نابرابری حکم‌فرما باشد کارساز نیست در جوامع امروز در کنار برابری در استفاده از فرصت‌ها، تحقق حقوق شهروندی، اخلاق مداری، رنگ باختن خودخواهی‌ها و مدارا پیشگی از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌توان گفت مدارای اجتماعی با عدالت اجتماعی تعریف می‌شود، زمانی که عدالت اجتماعی در جامعه وجود نداشته باشد و افراد از شرایط برابر برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های مورد قبول جامعه برخوردار نباشند دچار احساس یأس و ناامیدی از ارزش‌های موجود می‌شوند که این موضوع سبب می‌گردد تا شبکه تعاملات و همبستگی و اعتماد فرد به ارزش‌های مورد وفاق جامعه کاهش یابد.

نتیجه چنین شرایطی ایجاد نوعی احساس خشم از بی‌عدالتی‌های موجود و ایجاد مرزهای ذهنی میان فرد با سایرینی می‌شود که آن‌ها را در موقعیت‌هایی برتر از خود می‌بیند و این موضوع سبب می‌گردد که اقدام به جداسازی خود با دیگران کند و در نتیجه پیوندهای اجتماعی که سبب مدارا در جامعه می‌گردد کاهش می‌یابند. بنابراین از مجموع نتایج به دست آمده می‌توان این گونه نتیجه گرفت که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر خشونت فشارهای اجتماعی است که براساس نظریه دورکیم و مرتن در اثر عدم همسو بودن ارزش‌های حاکم در جامعه با وسائل رسیدن به این اهداف برای افراد جامعه ایجاد می‌شود و سبب می‌گردد افراد دچار نوعی احساس محرومیت و سرخوردگی شوند؛ این احساس محرومیت که کاملاً با احساس وجود تبعیض در جامعه

مطالعه جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و بروز خشونت در فضای عمومی ...

که نتیجه برخی ناهنجاری‌های اجتماعی مانند قانون‌گریزی برخی افراد به جهت دسترسی به منابع قدرت و تضاد طبقاتی که بعضاً در نتیجه فساد اقتصادی در جامعه گسترش یافته؛ تقویت می‌شود و سبب شکل‌گیری نوعی احساس عصبیت و خصومت در فرد نسبت به دیگران بهره‌مند از شرایط فوق می‌شود که این موضوع چنانکه ذکر شد سطح آستانه تحمل فرد را نسبت به سایرین کاهش داده و می‌تواند منجر به درگیری‌های لفظی و فیزیکی شود چنانکه حتی ساعاتی حضور در سطح شهر نیز به خوبی نمایانگر کاهش آستانه تحمل و مدارای افراد جامعه نسبت به یکدیگر است.

لذا به نظر می‌رسد امروز ما در ایران در شرایطی به سر می‌بریم که متأسفانه بر خلاف مشی تاریخی و تمدنی ما میزان مدارای اجتماعی به دلایل مختلف تقلیل یافته و جامعه ما را در شرایط آسیب‌بردارده است. امروزه به نظر می‌رسد ما در شرایط ستیز اجتماعی قرار داریم و نه مدارای اجتماعی. هم‌مکانی گروه‌های مختلف قومی، مذهبی، پایگاهی، فرهنگی و اجتماعی، فقدان عدالت اجتماعی در توزیع منابع ارزشمند، تمامیت‌خواهی گروه‌های اجتماعی، ایدئولوژیک شدن منافع گروهی و عدم تسامح افراد و گروه‌های اجتماعی در برابر اعتقادات، باورها، گرایش‌ها و انتظارات یکدیگر شرایط نامساعدی را در عرصه عمومی فراهم کرده است. در چنین شرایطی، بزرگانی لازمند تا با اجرای عدالت اجتماعی در توزیع منابع جامعه و دعوت افراد و گروه‌ها به رجوع به اصول و ارزش‌های مشترک عام از یک سو و تسامح نسبت به یکدیگر در امور خاص از سوی دیگر، زمینه گسترش مدارای اجتماعی را در جامعه فراهم کنند.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۳). ساختار جامعه و خشونت علیه زنان. فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۴.
- بابایی، محبوبه؛ ذوالقدر، علی؛ ندرلو، سکینه؛ ذوالقدر، حمید. (۱۳۹۲). عوامل و ریشه‌های خشونت در بین دانش‌آموزان دوره دبیرستان آذرشهر. مطالعات علوم اجتماعی ایران: دوره ۱۰، شماره ۳۹.
- بهشتی، سید صمد؛ رستگار، یاسر. (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی مدارا و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲.
- بیاتی، پروانه؛ جهانبخش، اسماعیل؛ بهیان، شاپور. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی شهروندان تهران؛ فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۹، شماره ۲.
- توسلی، افسانه؛ منیری فر، سارا. (۱۳۸۸). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر خشونت‌دیدگی زنان در جریان زندگی زناشویی (مطالعه موردی کارمندان و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران). فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۵، شماره ۲۰.

- چلبی، مسعود؛ مبارکی، محمد. (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۲.
- حسینی‌انجدانی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان؛ پژوهش‌های ارتباطی دوره ۱۵، شماره ۵۴.
- رئیسی، طاهره؛ حسینی چاری، مسعود. (۱۳۹۱). بررسی زمینه‌های خشونت علیه زنان در خانواده. فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۸، شماره ۲۹.
- شارع‌پور، محمود؛ عسگری، علی. (۱۳۸۸). گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشگاه تهران و علامه طباطبایی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۲.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: سمت.
- طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۱). جایگاه خشونت در حقوق کیفری. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- فرزاد، نازنین. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی، مجله مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره ۱۷، شماره ۳۵.
- کشکولی، کریم؛ صادقی، سهیلا. (۱۳۹۱). تصور افراد نسبت به خشونت و میزان شیوع آن از نظر پاسخگویان. راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال اول، شماره ۳.
- گراهام، هنری. (۱۳۸۳). تساهل، کثرت‌گرایی و نسبی‌گرایی، مجموعه مقالات، گردآورنده دیوید هید، ترجمه‌ی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گلابی، فاطمه؛ رضائی، اکرم. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، شماره ۱.
- گلچین، مسعود؛ حیدری، علی حیدر. (۱۳۹۱). خشونت بین فردی و سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه. مسائل اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۱.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۹۱). نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه: شهر کرمانشاه. مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۲، شماره ۳.
- مدیری، آتوسا. (۱۳۸۵). «جرم و خشونت در ایران: جرم و خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر». رفاه اجتماعی، شماره ۲۲.

مطالعه جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و بروز خشونت در فضای عمومی ...

- محمدی، فائزه؛ میرزایی، رحمت. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان، مطالعه موردی شهرستان روانسر، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱.
- مقتدایی، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
- ملکی، امیر؛ نژاد سبزی، پروانه. (۱۳۸۹). رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۲.
- نایبی، هوشنگ؛ صدیق سروستانی، رحمت اله؛ قهرمانی، سهراب. (۱۳۹۰). نقش فضاها بی دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز. فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۳، شماره ۱.
- نجاتی حسینی، سید محمود؛ مستمع، رضا. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی گتوهای شهرستان کرج، مجله جامعه‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱.
- واعظ زاده، ساجده و ایاسه، علی. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر رفتار خشونت‌آمیز جوانان: مطالعه موردی محلات حاشیه‌ای و غیر حاشیه‌ای شهر کرمانشاه. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم اجتماعی.
- وردنیا، علی اکبر؛ ریاحی، محمد اسماعیل؛ محمودی، فرهاد. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمون تجربی، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، زمستان ۱۳۹۰، دوره ۲، شماره ۲.
- همت‌زاده، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی علل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در فضای خصوصی و عمومی شهرستان ارومیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- یزدخواستی، بهجت؛ شیری، حامد. (۱۳۸۷). ارزش‌های پدرسالاری و خشونت علیه زنان. مطالعات زنان، دوره ۶، شماره ۳.

- Erickson, B. H. (2009). Untangling the Roots of Tolerance, American Behavioral Scientist, vol 12, pp 1664-1689
- Dennis yeates, Owen. (2007). Toleration faith : lock f, Williams and the Origins of Political Toleration Dissertation Major Advisor: Michael. A Gillespie, duke university.
- Dijker, Anton j.m and Koomen, willem (2007). "Stigmatization Tolerance and Repair: An integrative Psychological Analysis of Responses to Deviance, Cambridge university.
- Galeotti ana elisabetta. (2001). Do We Need Toleration as a Moral Virtue, Res publica, No 7, pp 273-292
- Grossman, Susan & Lundy, Marta. (2007). Domestic Violence Across Race and Ethnicity: Implications for Social Work Practice and Policy; Violence Against Women, Vol 13, pp1029-1052

- Lindhorse, Talin & Oxford, Monika & Rogers Gillmore, Mary. (2007). Longitudinal Effects of Domestic Violence on Employment and Welfare Outcomes; *Jornal of Iinterpersonal Violence*, Vol 22, pp 812-828.
- Leung, Ambrose & J. Steephen Ferris. (2008). School Size and Youth Violence. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 65: 318 – 333.
- Pagani, Camila. (2015). Violence and Comlexity, *The Open Psychology Jornal*, 8, PP 11-16.
- Phelps, E. (2004). White Student Attitudes Towards Asian American Stiuents At The University Of Washington: A study Of Social Tolerance And Cosmopolitansm, Dissertation, Newyork University.
- Vollhardt, Johanna; Migacheva, Katya; R.Tropp,linda. (2009). Social Cohesion and Tolerance for Group differences.
- WHO. (2002). *World Report On Violence and Health*, Genova.
- Wijk, Van & Bruijn. (2012). Risk Factor for Domestic Violenceb in Curaco, *Jornal of Interpersonal Violence*, Vol 27, pp 3032-3053.
- Williams. R, Micheal; Jackson. P, Aron. (2015). A New Definition Of Tolerance, *Issues in Religion and Psychotherapy*, vol 37,1-5.
- Wright. John; Cullen, Paul; Francies T; Miller, Jeremy. (2001). Family Social Capital and Delinquent Involvement,*Journal of Criminal Justice* ,29:1-9
- Wright Darlene R. & Kevin, M. Fitzpatrick. (2006). Social Capital and Adolescent violent behavior: correlate of fighting and weapon use among secondary school students, *Social Force*, 84 (3): 1435-1453.